

درس هشتم درس آزاد

در کشور عزیز ما ایران، مردان قهرمان و شجاع زیادی زندگی می‌کنند، که همیشه برای شجاعت و دلوری آنها، امنیت و آرامش برقرار می‌باشد. یکی از این دلوران، دانش آموز پانزده ساله، علی لندی بود. او در ایذه (یکی از شهرستان های استان خوزستان) زندگی می‌کرد. در یکی از روز های پایانی تابستان، در خانه ی یکی از آشنایان مهمان بود. ناگهان صدای درخواست کمک زن میانسالی را شنید که در آتش گرفتار شده بود.

این نوجوان فداکار، جان دو زن سالمند را نجات داد، اما در این اقدام به خودش نیز آسیب رسید و چند روز پس از بستری بودن، روز اول مهر در بیمارستان، به علت شدت جراحات به مقام شهادت رسید. بعضی می‌گویند او به عنوان یک نوجوان می‌توانست این کار خطرناک را انجام ندهد و منتظر کمک بزرگ‌ترها و آتش‌نشانی بماند. ولی این تصمیمی بود که علی در لحظه گرفته بود، او زمان برای تصمیم‌گیری نداشته و به نظرش باید جان آن دو نفر را نجات می‌داده‌است.

ایده یکی از شهرستان های استان خوزستان است.
شید علی لندی منزل یکی از آشنایان مهمان بود.
شید علی لندی با فداکاری خود جان یک کودک را نجات داد.

درک مطلب

- ۱- چند ویژگی از شید علی لندی بنویسید؟
- ۲- چرا علی از بزرگتر ها کمک گرفت و منتظر آتش نشانی نشد؟
- ۳- به نظر شما برای این داستان چه نام هایی می توان انتخاب کرد؟

مثل

جمع با نشانه

دلاوران - موجودات - پرستو ها - طوطیان - تصویر ها

جمع بدون نشانه

تصاویر ← تصویر ها ← جمع تصویر

اذهان ← ذهن ها ← جمع ذهن

مدارس ← مدرسه ها ← جمع مدرسه